

# عوامل و موانع فراروی فرصت‌های ارتباطی والدین و فرزندان در خانواده

منصور ساعی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۰۶/۰۶/۰۰، تاریخ تایید: ۰۸/۰۸/۲۰

## چکیده

هدف مطالعه حاضر تحلیل عوامل و موانع موجود فراروی فرصت‌های ارتباطی والدین و فرزندان در خانواده است. فرصت‌های ارتباطی زمان‌ها یا رویدادها یا برنامه‌هایی هستند که اعضای یک خانواده طی آن امکان ارتباطات انسانی حضوری یا با واسطه از طریق ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای پیدا می‌کنند. با استفاده از روش کیفی و نمونه‌گیری نظری، مصاحبه‌هایی با هدف تحلیل تجربه زیسته ۴۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی در مدارس شهر تهران انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین فرصت ارتباطی چهره به چهره والدین و فرزندان در گردهمایی‌های شبانه برای شام و انجام یک فعالیت مشترک (دیدن فیلم و برنامه تلویزیونی) شکل می‌گیرد و ارتباطات میان فردی روزانه‌ی آن‌ها «رسانه‌ای شده»، «کوتاه شده» و «ناپایدار» است. همچنین نتایج نشان می‌دهد گرچه رویدادها و برنامه‌های فراغتی، ارتباطی موقعیت‌های مطلوبی برای شکل‌گیری تعامل پایدار، طولانی و گفتگو و صحبت است، اما «فراغت جمعی والدمحور یا خانوادهمحور» در بین نوجوانان بسیار حداقلی و کم‌رنگ است. این در حالی است که برنامه‌های «فراغت فردی رسانه‌محور» و «فراغت جمعی همسال محور» بیشترین بخش اوقات فراغت فرزندان را به خود اختصاص می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات میان فردی، فرصت‌های ارتباطی، رسانه، خانواده، والدین، فرزندان

<sup>۱</sup> استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ [m.saei@ihcs.ac.ir](mailto:m.saei@ihcs.ac.ir)

موضوع پژوهش حاضر «فرصت‌های ارتباطی» و «خانواده» در ایران است. فرصت‌های ارتباطات و تعاملات میان فردی اعضای یک خانواده، زمان‌ها یا رویدادها یا برنامه‌هایی است که اعضای یک خانواده طی آن امکان تعامل و ارتباطات انسانی پیدا می‌کنند که این فرآیند می‌تواند به صورت حضوری و چهره به چهره یا از طریق واسطه‌هایی چون رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی تعاملی نوین (تلفن همراه و ابزارهای تعاملی نوین) شکل می‌گیرد.

خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است که اعضای خانواده با بهره‌گیری و خلق فرصت‌های ارتباطات میان فردی نیازها، خواسته‌ها، عواطف، نگرانی‌ها و دغدغه‌ها، تجربه‌ها، افکار و دیدگاه‌ها و احساسات خود را با یکدیگر درمیان می‌گذارند، مشورت می‌گیرند، تصمیم اتخاذ می‌کنند، از همدیگر حمایت و پشتیبانی عاطفی و روانی می‌کنند و تضادها و تنش‌ها را رفع می‌کنند. فرصت‌های ارتباطات انسانی میان فردی در خانواده، فرصت‌های جامعه‌پذیری و تربیت فرزندان نیز هست زیرا برجسته‌ترین کارکرد خانواده یعنی جامعه‌پذیری، بازتولید و درونی کردن و مبادله عقاید، باورها ارزش‌ها و هنجارها در خانواده از طریق مکانیزم کنش و واکنش‌های ارتباطی در فرصت‌ها و رویدادهای ارتباطی صورت عینی به خود می‌گیرد.

فرصت‌های ارتباطی در خانواده زمانی برای ما از اهمیت برخوردار می‌شود که از «خانواده در ایران» بحث کنیم. ساختار، کارکرد و تعاملات در خانواده در ایران در دوران معاصر، تحت تاثیر عوامل مختلفی چون گذار جامعه ایرانی از سنت به مدرنیته، توسعه شهرنشینی و تشدید مهاجرت به شهرهای بزرگ، تحصیل و اشتغال و نظایر آن قرار گرفته است و به تدریج خانواده هسته به شکل ساختار غالب خانواده ایرانی تبدیل است. تغییر شکل خانواده گسترده سنتی و ظهور و توسعه خانواده هسته‌ای از یک طرف و ظهور و توسعه نهادهای جایگزین نقش‌های تربیتی و جامعه‌پذیری خانواده، نظیر مدرسه و رسانه‌ها، فناوری‌های نوین از سوی دیگر، می‌تواند به تغییر کارکردهای خانواده به ویژه در زمینه ساخت و توزیع قدرت، تغییر نقش‌ها در خانواده، شیوه جامعه‌پذیری و فرزندپروری و در نتیجه وقوع تحول در فرصت‌های ارتباطی و روابط والدین و فرزندان بینجامد.

عوامل مختلفی بر فرصت‌های ارتباطی والدین و فرزندان تاثیر می‌گذارند. نتایج یک مطالعه نشان داد که در تحت تاثیر سبک زندگی مدرن شهری و اشتغال والدین، زمان صرف غذا، یکی از

معدود فرصت‌های ارتباطی در طول روز است که اعضای خانواده در کنار هم هستند و تعاملات کلامی با هم دارند (بوا، ۲۰۱۲). همچنین مطالعه‌ای نشان داد که کاهش فرصت‌های ارتباطی و نبود ارتباطات کافی میان والدین و فرزندان منجر به «تولید سکوت» در برخی خانواده‌ها شده است و این امر به شکل‌گیری نسل فرزندان کم حرف و توداری می‌انجامد که تمایلی به صحبت کردن درباره افکار، اتفاقات روزمره، برنامه‌ها و اهداف در خانواده یا در حضور دیگران ندارند. (کلی و همکاران، ۲۰۰۲).

کاهش فرصت‌های ارتباطی منجر به کاهش ارتباطات و تعاملات فردی در خانواده در ایران شده است تا جایی نتایج یک پیمایش ملی نشان می‌دهد که گفت‌وگوی بین اعضای خانواده‌ها از ۲ ساعت در شبانه‌روز در ۲۰ سال قبل، اکنون به ۲۰ دقیقه کاهش پیدا کرده است. براساس این مطالعه در گذشته در طول شبانه روز یک‌هزار و ۵۰۰ کلمه گفت‌وگو بین اعضای خانواده رد و بدل می‌شد که این میزان اکنون به ۴۰۰ کلمه کاهش یافته است (ابتکار، ۱۳۹۸). در همین راستا، نتایج یک مطالعه دیگر در ایران نشان می‌دهد هر چه میزان استفاده از وسایل ارتباطی (لاین، تلگرام) افزایش می‌یابد، میزان دورهمی‌ها، برقراری میهمانی خانوادگی، گردش‌های خانوادگی و ارتباطات کلامی افراد خانواده کمتر می‌شود (شیری و رحمانی ۱۳۹۴). لذا می‌توان گفت که فرصت‌های ارتباطی اعضای خانواده می‌تواند هم متأثر از عوامل و شرایط درون خانوادگی و هم عوامل برون خانوادگی نظیر سبک زندگی، رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی و دیجیتال، گروه همسالان و نظایر باشد. بر همین اساس مطالعه حاضر با درک اهمیت موضوع فرصت‌های ارتباطی در خانواده ایرانی، درصدد تحلیل «عوامل تعیین کننده و موانع کاهنده فرصت‌های ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان در خانواده» است.

## مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

چیستی ارتباطات میان فردی، ویژگی‌ها و ماهیت آن: ارتباطات میان فردی مرکب از یک پیشوند inter به معنای بین و واژه personal به معنای شخصی (انسانی) است. ارتباطات میان فردی به‌عنوان بخشی از ارتباطات انسانی به فرآیند دوسویه خلق و مبادله و تسهیم اطلاعات، احساسات و معانی از طریق پیام‌های کلامی یا غیرکلامی بین دو نفر یا بیشتر گفته می‌شود (Brooks & Heath, 1993:7). ما روزانه از این نوع ارتباط برای رد و بدل کردن اطلاعات، ابزار و بیان احساسات و علائق، حل مسائل و مشکلات خود با دیگران، رفع تضادها و تعارض‌ها، رفع

نیازهای اجتماعی، گفتگو با اطرافیان و والدین و فرزندان، گفتگو با دوستان و همکاران و دیگران در محیط کار و جامعه و نظایر آن استفاده می‌کنیم.

ارتباطات میان فردی میان دو یا چند شخص و انسان رخ می‌دهد نه میان نقش‌های آن‌ها (والد/ فرزند، زن/ مرد، کارمند/ رئیس) و ماسک‌ها و قالب‌های کلیشه‌ای (فرا دست/ فرودست، مسلمان/ مسیحی، سفید/ سیاه). گرچه نقش‌ها بر کم و کیف ارتباطات میان فردی اثر می‌گذارند. ارتباطات میان فردی، همیشه یک جریان دوسویه است، مبادله معناست نه مبادله پیام. کنشی عمدی است نه اتفاقی. یک فرآیند مداوم و مستمر است نه یک رویداد یا داستان یک رویداد. ارتباطات میان فردی بین دو نفر، خاصیت انباشتی در طی زمان دارد (Hartley, 1999). ارتباطات میان فردی به روابطی اشاره دارد که بین دو انسان و یا بیشتر رخ می‌دهد که در برابر نوع دیگری از ارتباطات یعنی ارتباطات غیرشخصی قرار می‌گیرد که حداقل یکی از طرفین ارتباط، بی روح و بی جان (نگاه شیئی گونه و ابزاری) است. وضعیت ارتباطات میان فردی حاکی از شرایطی است که در آن دو نفر یا بیشتر بنابر اهدافی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و به همدیگر توجه می‌کنند. در واقع ارتباط میان فردی، فعالیتی پویا، دائمی، قابل پیش‌بینی و چندسطحی است که موجب تسهیم معنا شده تا زندگی را با تدبیر و مدیریت موثرتری اداره کنیم (مایرز و مایرز، ۱۳۸۳: ۳۶). در واقع امروزه معیار ارتباطات میان فردی، تنها شمار افراد دخیل در یک ارتباط نیست، بلکه کیفیت ارتباطات است. در واقع ارتباطات میان فردی زمانی رخ می‌دهد که شما با یک شخص به عنوان یک انسان رفتار می‌کنید. اما ارتباطات غیرشخصی و غیرانسانی هنگامی اتفاق می‌افتد که با دیگران همانند سوژه یا شیء رفتار می‌کنید یا به نقش‌های دیگران (درخواست یک لیوان از یک خدمتکار در رستوران) واکنش نشان می‌دهید به جای آن که با آن‌ها همانند یک انسان محترم و بی‌نظیر رفتار کنید.

امروزه ارتباطات میان فردی دو شکل «چهره به چهره» و «رسانه‌ای شده» به خود گرفته است. اگر در گذشته افراد تنها از طریق ارتباطات حضوری مستقیم با هم صحبت، مذاکره و گفت و شنود می‌کردند، امروزه به دلیل توسعه و رشد رسانه‌ها، ابزارها و فناوری‌های ارتباطی نوین نظیر تلفن، نامه، ایمیل، رسانه‌های تعاملی مبتنی بر اینترنت و ارتباطات شبکه‌ای (شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و اینستاگرام، توئیتر و...) و پیام رسان‌های موبایلی (تلگرام و واتس‌آپ و...)، ارتباطات میان فردی شکل «رسانه‌ای شده» به خود گرفته است.

## چیستی خانواده و نقش ارتباطات میان فردی در خانواده: خانواده به‌عنوان گروهی از

افراد که با یکدیگر برپایه همخونی (نسبی) یا ازدواج (سببی) و یا فرزندپذیری دارند، تعریف شده است (ساروخانی، ۱۳۸۰). آنتونی گیدنز خانواده را گروهی از افراد می‌داند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته و اعضای بزرگسال مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند. پیوندهای خویشاوندی متضمن روابط میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار شده‌اند یا از طریق تبار که خویشاوندی خونی (پدران، مادران، فرزندان، پدر بزرگ، مادر بزرگ) را به یکدیگر مرتبط می‌سازند (گیدنز، ۱۳۹۷: ۴۱۳)

خانواده نظام عاطفی پیچیده‌ای است که چند نسل را در بر می‌گیرد و وجه تمایز آن با سایر نظام‌های اجتماعی در وفاداری، عاطفه و دایمی بودن عضویت نسل‌ها در آن است (Goldenberg, 2008) & وجه تمایز آن از سایر سیستم‌های اجتماعی به این صورت است که ورود به سیستم خانوادگی از لحظه تولد، فرزندخواندگی و یا ازدواج آغاز می‌شود و اعضا تنها به واسطه مرگ از هم جدا می‌شوند و جدایی تمامی ارتباطات خانوادگی غیرممکن است (Carr, 2012). عمده‌ترین دسته‌بندی خانواده، تقسیم آن به دو نوع هسته‌ای و گسترده است. در خانواده هسته‌ای واحد اولیه خانواده شامل والدین و فرزندان می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۲۷۴). در خانواده گسترده گروهی مرکب از سه نسل یا بیشتر در یک خانه با هم یا در نزدیکی یکدیگر زندگی می‌کنند و با هم تعامل و ارتباط هستند.

خانواده به عنوان یک نظام دارای کارکردهای مختلفی است. از نظر جامعه‌شناسی برخی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده شامل کارکردهای زیستی (تنظیم روابط جنسی و تولید مثل)، حمایت و مراقبت از فرزندان، آموزش و تربیت (پرورش)، جامعه‌پذیری، تأمین نیازهای عاطفی و روانی، تأمین نیازهای اقتصادی و مادی، کنترل و نظارت اجتماعی، رشد و تثبیت شخصیت، پرکردن اوقات فراغت و نظایر آن است (علینی، ۱۳۹۳). ارتباطات مهم‌ترین عنصر اساسی برای پیشبرد کارکردهای مختلف در نظام خانواده است. ارتباطات در خانواده چه در وجه کلامی و چه در وجه غیرکلامی آن، مکانیزمی است که طی آن اعضای خانواده نیازها، خواسته‌ها، عواطف، نگرانی‌ها و دغدغه‌ها، تجربه‌ها، افکار و دیدگاه‌ها و احساسات خود را با یکدیگر مبادله می‌کنند.

یکی از دیدگاه‌های مطرح در ارتباطات خانواده که به ارتباطات در خانواده و نقش آن در سازگاری مؤثر با محیط پرداخته است «الگوی ارتباطی خانواده» فیتزپاتریک و ریچی<sup>۱</sup> است.

1. Fitzpatrick and Ritchie

آن‌ها در دهه ۱۹۹۰ در مطالعات تجربی خود دو الگوی ارتباطی «جهت‌گیری گفتگویی» و «جهت‌گیری همنوایی» را در ارتباطات میان فردی در خانواده شناسایی کرده‌اند. «جهت‌گیری گفتگویی» بر ارزش ارتباط و تعامل فراوان، خودبه‌خودی و بدون اجبار و فشار میان اعضای خانواده تأکید دارد. اعضای خانواده زمان بسیاری را با یکدیگر می‌گذرانند و به‌راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، فرزندان مجازند با والدین‌شان بحث و مناظره کنند و کودکان تشویق می‌شوند نظرات خود را بیان کنند. آنان پیش از اظهارنظر درباره‌ی یک مطلب همه‌ی جوانب آن را در نظر می‌گیرند و معتقدند که عقیده فرد حتی اگر مغایر با سایر افراد باشد باید بیان گردد. افراد خانواده، فعالیت‌ها، افکار و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند. اعمال و فعالیت‌های خانواده با مشارکت اعضای خانواده مورد بحث قرار می‌گیرد و تصمیم‌گیری‌های خانواده با هم‌فکری همه‌ی اعضاء انجام می‌شود. «جهت‌گیری همنوایی» با یک‌رنگی اعتقادات، نگرش‌ها و ارزش‌ها مشخص می‌شود. تعاملات خانواده بر حفظ روابط هم‌رنگی تأکید دارد که منعکس‌کننده‌ی اطاعت از والدین است. اغلب، فشار برای موافقت و حفظ اریه‌ی خانوادگی وجود دارد. در این خانواده‌ها همه‌ی تصمیمات را والدین می‌گیرند و از بچه‌ها انتظار می‌رود که فقط اطاعت کنند. والدین احساس می‌کنند آن‌ها باید برای بچه‌ها تصمیم بگیرند و بچه‌ها یاد می‌گیرند در تصمیم‌گیری‌ها متکی بر والدین باشند و مهارت‌های تصمیم‌گیری را نمی‌آموزند. ویژگی این جهت‌گیری، تلاش برای حفظ و نگهداری روابط همگون و همساز والد - فرزندی است. این خانواده‌ها تأکید دارند که فرزندان آن‌ها باید از تعارض و تقابل با جمع اجتناب کنند، وقتی که در بحث با دیگران (والدین و بزرگسالان) اختلاف نظر دارند، تسلیم آن‌ها شوند، به بزرگ‌ترها احترام بگذارند و به‌طور کلی جلوی مشکلات میان فردی را بگیرند (Koerne, Scharodt & Fitzpatrick, 2017)

دیوید السون<sup>۱</sup> پژوهشگر حوزه روان‌شناسی، در مدل نظری خود تحت عنوان «مدل انسجام خانواده»<sup>۲</sup> که آن را بر اساس «تئوری نظام‌ها»<sup>۳</sup> مطرح نمود، روابط دورن خانواده را در سه بعد بررسی می‌کند: انسجام خانوادگی، انعطاف‌پذیری خانواده، ارتباطات در خانواده. از دیدگاه او، انسجام به‌عنوان یکی ساختارهای با نفوذ خانواده، احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است

1 . David Ellison

2 . Family Adaptability

3 . Theory systems

که اعضای خانواده نسبت به هم دارند(السون، ۲۰۱۴). خانواده‌ها زمانی که از انسجام برخوردارند، به گونه‌ای اثربخش عمل می‌کنند؛ بنابراین قادرند تعادل را بین جدایی (استقلال) و با هم بودن (پیوستگی) برقرار سازند و در عین حال در می‌باید انعطاف‌پذیری خود را برای سازگاری با تغییر حفظ کنند؛ بنابراین به اعضای خود در انطباق با تغییر کمک می‌کنند (اصلانی و همکاران، ۱۳۹۳). معیارهای سنجش سطح انسجام در خانواده شامل پیوند عاطفی بین اعضا، زمان و فضای مشترکی که اعضا با هم هستند، همراه بودن خانواده در تصمیم‌گیری‌ها و وجود منافع مشترک برای خانواده نیز مهم هستند. تفریحات مشترک که اعضای خانواده باهم از آن‌ها لذت می‌برند نیز در انسجام خانواده تأثیر دارد. بنابر نظر السون، خانواده‌هایی متعادل هستند که انعطاف‌پذیری آنان در سطح متوسط باشد (یعنی خانواده‌های منعطف و نظامدار). وی بعد ارتباط در خانواده را کلید اصلی یک خانواده خوب یا از هم پاشیده می‌داند و از نظر او دو ویژگی ارتباطات در خانواده عبارتند از: ارتباط مثبت و قدردانی و محبت (رضایی و پورجلی، ۱۳۹۷).

لینگرن<sup>۱</sup> نیز انسجام را به صورت احساس نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می‌کند، از نظر او دو کیفیت مربوط به انسجام در خانواده، مشتمل بر تعهد و وقت گذراندن با هم است. منظور از تعهد، میل به صرف وقت و انرژی در فعالیت‌های خانواده و هم چنین ممانعت از تأثیر منفی عواملی چون مسائل شغلی در آن، می‌باشد. بعد دیگر انسجام از نظر لینگرن وقت گذاشتن و با هم بودن در بین اعضای خانواده است. خانواده‌هایی که در این زمینه قوی هستند، به‌طور مرتب برنامه‌ها و زمان‌هایی برای فعالیت‌های گروهی در نظر می‌گیرند (لینگرن، ۲۰۰۳).

## مطالعات پیشین

نخستین مطالعات مربوط به کمیت و کیفیت ارتباطات در خانواده توسط مک‌لئود و چافی<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۲ انجام شد. آنان باور داشتند که شیوه ارتباطات در خانواده بیش از آن که یک خصیصه ذاتی و شخصیتی باشند، حاصل تجارب ناشی از تعاملات خانوادگی است (سپهری و پاکدامن، ۱۳۸۹). نتایج مطالعه آنتونیو بوا نشان داد که در تحت تأثیر سبک زندگی مدرن شهری و اشتغال والدین، زمان صرف غذا، یکی از معدود فرصت‌های ارتباطی در طول روز است که اعضای

1. Lingern

2. Mcleod & Mchaffee

خانواده در کنار هم هستند و تعاملات کلامی با هم دارند (بوا، ۲۰۱۲). همچنین مطالعه‌ای نشان داد که کاهش فرصت‌های ارتباطی و نبود ارتباطات کافی میان والدین و فرزندان منجر به «تولید سکوت» در برخی خانواده‌ها شده است و این امر به شکل‌گیری نسل فرزندان کم حرف و توداری می‌انجامد که تمایلی به صحبت کردن درباره افکار، اتفاقات روزمره، برنامه‌ها و اهداف در خانواده یا در حضور دیگران ندارند (کلی و همکاران، ۲۰۰۲).

تی آدامکوا و وی دانکوا در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که کودکان ترجیح می‌دهند تا ارتباطات‌شان را با همسالان خود توسعه دهند تا والدین‌شان. فرزندان تنها محدود به دیدارهای حضوری با همسالان خود نیستند بلکه آن‌ها نیازهای ارتباطی خود را بلافاصله با استفاده از رسانه‌های الکترونیکی برآورده می‌سازند. والدین به‌طور میانگین ۴ تا ۵ ساعت را با فرزندان می‌گذرانند اما پایان هفته‌ها حدود ۱۰ ساعت را با فرزندان وقت می‌گذرانند. کمبود وقت به‌خاطر کار، سرگرمی‌ها و سایر فعالیت‌ها به یک مشکل اساسی برای ارتباطات والدین و فرزندان تبدیل شده است. والدین به دلیل کار و اشتغال قدر به برآورده سازی نیازهای مطلوب و انگیزش فرزندان خود نیستند. والدین نیازهای فیزیولوژیک فرزندان را در ماه‌های نخستین زندگی فرزندان خود تأمین می‌کنند و بعد از این دوره، رسانه‌های الکترونیک جایگزین والدین می‌شوند. ۵۰ درصد والدین اظهار می‌داشتند که رویدادهایی (مانند سفر و دیدوبازدید و دیدارهای خانوادگی آخر هفته، سرزدن با پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و...) که موجب ارتباطات میان فردی نزدیک بین نسل‌ها می‌شود، بسیار کم شده است. دنیای شتابان و در حال تغییر رسانه‌های ارتباطی، تأثیر انکارناپذیری در ارتباطات متقابل بین نسل‌ها دارد و این یکی از دلایل سوء تفاهم‌ها و چالش‌های روزمره در بین نسل‌های مختلف در یک خانواده است (آدامکوا و دانکوا، ۲۰۱۴). مطالعه مک کالوم و همکاران در سال ۲۰۱۰ نشان داد که برنامه‌های تعاملات بین نسلی، نسل‌های مختلف به‌ویژه جوانان و بزرگسالان را قادر می‌سازند تا زمان بیشتری را با هم سپری کنند، موانع ارتباطی و گفتگو را از میان بردارند و درک جدیدی از همدیگر به‌دست بیاورند. از طریق تعاملات و تبادلات بین نسلی، دو نسل ضمن لذت بردن از با هم بودن، سالم‌تر، مقاوم‌تر و با انگیزه‌تر می‌شوند. برای جوانان این تجربه‌ها (گفتگو، تعامل و همکاری) آن‌ها را مشکلات و رنج‌ها دور می‌کند و به آن‌ها در یافتن کار و فرصت‌های شغلی جدید کمک می‌کند. مؤلفه مشترک برنامه‌های بین نسلی این است که فقدان همکاری و گفتگو بین نسل جوان و بزرگسال دارای پیامدهای مختلف فردی و

خانوادگی و اجتماعی است. مزیت‌های برنامه‌های بین نسلی، توسعه روابط جدید، شبکه اجتماعی جدید و درک مثبت از نسل‌های دیگر، یادگیری دانش و مهارت‌های جدید، افزایش اعتماد به نفس جوانان و بزرگسالان و نظایر آن است (مک کالوم و همکاران، ۲۰۱۰).

در ایران مطالعه نجلا حریری و نسترن زمانی‌راد در سال ۱۳۹۱ نشان داد که آشنایی، علاقه، استفاده نسل جوان و نوجوان با فناوری‌های به نحو معنی‌داری بیشتر از والدین است و نوعی شکاف دیجیتالی بین نسل والدین و فرزندان وجود دارد و استفاده از برخی فناوری‌ها (جستجو در اینترنت، انجام بازی‌های کامپیوتری و...) منجر به تضعیف روابط بین والدین و فرزندان شده است. پژوهشگران چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که علاقه و توان استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطاتی نوین ظرفیت بالقوه‌ای برای کاستن از فاصله میان نسل‌ها است و دست‌کم می‌تواند زمینه برای ادارک متقابل در بین نسل‌ها را فراهم کند و دریچه‌ای برای ورود والدین به دنیای نوجوانان باشد. هم‌گامی والدین با فرزندان خود در به کارگیری این مهارت‌ها می‌تواند موجب کاهش شکاف میان آن‌ها شود. محقق پیشنهاد کرده است که یکی از راهکارهای مهم برای کاهش شکاف بین نسلی و ایجاد پیوند بین نسلی آموزش مهارت‌های استفاده از کامپیوتر و اینترنت توسط نوجوانان و جوانان به افراد مسن‌تر است (حریری و زمانی‌راد ۱۳۹۱). مطالعه شیرینی و رحمانی نیز در سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که هر چه میزان استفاده از وسایل ارتباطی (لاین و تلگرام) بیشتر باشد، انسجام خانواده، جمع‌گرایی بین افراد، روابط صمیمی افراد خانواده، روابط با خویشاوندان، شیوه غذا خوردن افراد خانواده دور هم، برقراری میهمانی خانوادگی، گردش‌های خانوادگی ارتباطات کلامی افراد خانواده کمتر شده است. با کم شدن انسجام خانواده، یکی از یافته‌های تحقیق بیانگر این موضوع بوده است که افراد خانواده برای گردش و بیرون رفتن با مشکل مواجه هستند و همگی نمی‌توانند با هم بیرون رفته و یا تصمیم مشترکی بگیرند. (شیرینی و رحمانی، ۱۳۹۴).

## روش پژوهش

در این پژوهش، برای کشف، شناسایی و تحلیل فرصت‌های روابط میان فردی والدین و فرزندان، از رویکرد کیفی و روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. مصاحبه‌های عمقی با هدف تحلیل تجربه زیسته ۴۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در مقطع متوسطه دوم، دبیرستان‌های دولتی شهر تهران انجام شد. جامعه مورد مطالعه پژوهش حاضر «دانش‌آموزان

نوجوان (دختر و پسر) « دبیرستانی (متوسطه دوم)، ۱۶ تا ۱۸ ساله مشغول به تحصیل در مدارس دولتی شهر تهران (۵ دبیرستان دخترانه و ۵ دبیرستان پسرانه در پنج منطقه‌ی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران) است که در همراه والدین خود زیر یک سقف زندگی می‌کنند و هر روز همدیگر را ملاقات می‌کنند. پس از اخذ مجوزهای لازم از اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران برای مراجعه به مدارس منتخب و هماهنگی با مدیران مدارس، دانش‌آموزان داوطلب در حال تحصیل در مقطع متوسط دوم، برای حضور در مطالعه انتخاب شدند. مصاحبه‌ها از مدارس مناطق مرکزی تهران شروع شد که تا نیل به اشیاع نظری این تعداد به ۴۰ نفر یعنی ۲۰ دانش‌آموز دختر و ۲۰ دانش‌آموز پسر در پنج منطقه مورد مطالعه رسید. فرآیند گزینش هدفمند افراد به گونه‌ای بود که پس از حضور در هر دبیرستان (دو کلاس) ابتدا موضوع مطالعه و اهداف آن برای دانش‌آموزان توضیح داده می‌شد و سپس با افرادی که تمایل و رغبت به مشارکت در مطالعه داشتند، مصاحبه صورت می‌گرفت. در شروع مصاحبه سعی بر آن بود تا یک ارتباط صمیمی و همدلانه با دانش‌آموزان برقرار شود، تا احساس راحتی بنمایند و سپس اهداف پژوهش مجدداً برای هر مصاحبه شونده توضیح داده می‌شد و رضایت آن‌ها برای ادامه همکاری جلب می‌شد. در واقع معیار ورود به مطالعه شامل افرادی بود که پس از توضیح موضوع مطالعه، به‌طور داوطلبانه و آگاهانه تمایل به شرکت در مطالعه را داشتند و همچنین قادر به بیان تجربه نحوه تعامل خود با والدین بودند.

ابزارگردآوری اطلاعات مصاحبه عمقی نیمه‌ساخت یافته بود و مدت هر مصاحبه از ۶۰ الی ۹۰ دقیقه و میانگین آن ۶۰ دقیقه بود. در این پژوهش، از سؤالات باز استفاده شد. مصاحبه با یک سؤال کلی در مورد رابطه خود و والدین‌شان شروع می‌شد، سپس سؤالات بعدی برای تشویق و دست‌یابی به توضیحات بیشتر پرسیده می‌شد. برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، از شیوه‌ی تحلیل محتوای توصیفی هوسرلی استفاده شد. واحد تحلیل، در تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، مضمون است. تحلیل داده‌ها بر اساس روش توصیفی هفت مرحله‌ای کلایزی<sup>۱</sup> و با انجام مراحل آشنایی، شناسایی گزاره‌های بیانی مهم، فرموله کردن معانی، خوشه‌بندی موضوعات (تم‌ها)، ارائه یک توصیف جامع، ایجاد یک ساختار بنیادی، اعتبار بخشی به ساختار بنیادی انجام گرفت (مورو، رودریگز و کینگ، ۲۰۱۵).

1. Colaizzi

## تحلیل داده‌ها

تحلیل یافته‌های حاصل از گفتگو با نوجوانان نشان می‌دهد که بیشتر مشارکت کنندگان در این پژوهش در رشته علوم انسانی (۵۲,۵ درصد) و بقیه در رشته تجربی و رشته ریاضی مشغول به تحصیل بودند. نتایج بیانگر این است که بیشترین سطح «تحصیلات والدین نوجوانان» مشارکت کننده، یعنی ۶۵ درصد از آنان، دیپلم و زیردیپلم بوده است که سهم مادران زیر دیپلم بیشتر از پدران است. همچنین حدود ۳۷ درصد مادران و ۹۰ درصد پدران شاغل و ۶۲ درصد مادران و ۱۰ درصد پدران غیرشاغل هستند. بیشتر نوجوانان یعنی ۵۲,۵ درصد آنان، در خانوارهای ۴ نفره شامل والدین و دو فرزند زندگی می‌کنند. میانگین تعداد اعضای خانوار در خانواده نوجوانان مورد بررسی، ۴,۲۴ نفر است.

## فرصت‌های ارتباطی والدین و فرزندان در شبانه روز

فرصت‌های ارتباطات و تعاملات میان فردی اعضای یک خانواده، زمان‌هایی از شب و روز است که به‌صورت حضوری یا از طریق واسطه‌هایی نظیر تلفن و نرم افزارهای ارتباطی با هم تعامل و ارتباط دارند. با تحلیل بیان‌ها و گزاره‌های حاصل از پاسخ نوجوانان می‌توان گفت که بیشترین فرصت ارتباطی چهره به چهره والدین و فرزندان در گردهمایی‌های شبانه برای صرف شام و انجام یک فعالیت مشترک، مانند دیدن فیلم و برنامه تلویزیونی، شکل می‌گیرد و ارتباطات میان فردی روزانه آن‌ها «رسانه‌ای شده»، «کوتاه شده» و «منقطع شده» است.

## فرصت‌های ارتباطی والدین و فرزندان در طول شبانه‌روز

مقوله‌ها	مفاهیم فرموله شده
ارتباطات روزانه رسانه‌ای شده و کوتاه	فقدان گفتگوی مستقیم و چهره به چهره روزانه، برقراری ارتباطات تلفنی، پیامکی و واتس آپ
ارتباطات روزانه کوتاه و ناپایدار	ارتباطات و گفتگوی مستقیم و حضوری کوتاه والدین با فرزندان در زمان ناهار، تعامل کوتاه با همدیگر در فواصل برنامه‌های درسی، فراغتی-تفریحی و استراحت‌های کوتاه روزانه
ارتباطات حضوری و بی واسطه شبانه	گردهمایی سه ساعته شبانه والدین و فرزندان، برقراری ارتباطات چهره به چهره و گفتگو به هنگام شام + صحبت کردن شبانه هنگام دیدن فیلم و برنامه تلویزیونی مشترک و...

### ارتباطات روزانه رسانه‌ای شده و کوتاه

در ۱۵ خانواده از خانواده‌های نوجوانان، به دلیل اشتغال هم‌زمان پدر و مادر و عدم حضور روزانه در منزل، فرصت ارتباطات حضوری و مستقیم والدین و فرزندان در طول روز کاهش یافته یا از بین رفته است و فرزندان نوجوان بعد از تعطیلی از مدرسه به خانه باز می‌گردند و تا اتمام ساعات کاری والدین و بازگشت آن‌ها به خانه، به منظور آگاه شدن و اطلاع یافتن از احوال همدیگر، از طریق میانجی‌ها و ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای مانند تلفن همراه و پیام‌رسان‌های موبایلی مانند واتس آپ و نظایر آن با هم ارتباط محدود و کوتاهی دارند:

- در طول روز همدیگر را نمی‌بینیم و تلفنی یا تلگرامی صحبت می‌کنیم. چون مامانم معلم هست و بابام کارمند بانک. از مدرسه که میام به کارهای مدرسه و استراحتم میرسم تا اونا برگردن. (P-15).
- به علت اینکه پدر (ابزارفروش) و مادرم (کمک بهیار) هر دو بیرون کار می‌کنند، در روز با هم نیستیم و بیشتر با برادرم هستیم. با پیامک و تلفن از هم خبر می‌گیریم... (P-24).
- پدر و مادرم از صبح میرن و غروب بر می‌گردن چون پدرم دفتر اسناد و مادر در آژانس هواپیمایی هستند. کمتر همدیگر را می‌بینیم. بیشتر با واتس آپ یا پیامکی با هم در ارتباط هستیم. (P-17).

## ارتباطات روزانه کوتاه و ناپایدار

از بین ۴۰ نوجوان مشارکت کننده در این پژوهش، ۳۶ نفر اعلام کردند، پدران شاغل بوده و در طول روز در خانه حضور فیزیکی ندارند. اما بیشتر مادران (۲۵ نفر از آنان) به دلیل «خانه دار بودن» اکثر اوقات در خانه به سر می برند و از فرصت بیشتری برای برقراری ارتباط و صحبت کردن با فرزندان نسبت به پدران برخوردار هستند. برخی از نوجوانان در این زمینه چنین اظهار می کنند:

- تقریباً یک تا سه بعد از ظهر و عصرها شش تا هشت شب هست که وقت آزادمون هست... موقع تماشای فیلم یا وقتی می خواهیم چای بخوریم و دور هستیم. بیشترین ارتباطاتم با مامانم هست چون بیشتر با هم هستیم. طی هفته چون بیشتر مدرسه هستیم و یا باشگاه هستیم یا کلاس زبان، ارتباطاتم کمتر می شود (P-29).
- مادرم خانه دار است و طبیعیه که بیشتر با اون هستم یعنی زمانی که از مدرسه میرم خونه تا ساعت ده یازده شب (P-32).

- تقریباً هر روز از ساعت سه به بعد تا شب با مامانم خونه هستیم و کلی حرف می زنیم. اما شبها از ساعت ۹ شب همه جمع می شیم و بابا و برادرم از مغازه میان. معمولاً با هم کمی صحبت می کنیم و برنامه اخبار تلویزیون یا سریال می بینیم (P-33).

به نظر می رسد که به دلیل حضور روزانه مادر در خانه، ارتباطات میان فردی روزانه «مادرمحور» شده است اما این موضوع در مورد همه صدق نمی کند و حضور مادر در خانه به معنای وجود تعامل و ارتباطات طولانی و پیوسته بین والد و فرزند نیست بلکه ارتباطات مادر و فرزندان نوجوان محدود به زمان های کوتاه و مشخصی مانند ناهار، استراحت های کوتاه، یا دیدن فیلم و سریال تلویزیونی است. در واقع بیشتر مادران و فرزندان هنگامی که در خانه هستند، زمان زیادی با هم صحبت نمی کنند و فعالیت های روزانه مشترکی (مانند انجام یک بازی مشترک، همکاری در امور مر بوط به منزل (غذا درست کردن، آموزش مهارت ها به همدیگر، خریدهای مشترک روزانه و...) که موجب شکل گیری و پیوستگی ارتباطات میان آن ها باشد، انجام نمی دهند. یعنی گرچه در یک فضای مشترک به نام منزل حضور دارند، اما ارتباطات آن ها کوتاه و منقطع و ناپایدار است. این امر دلایلی دارد. نوجوانان در طول روز به ویژه پس از بازگشت از مدرسه، با مادر و بعضاً پدر (بیکار یا بازنشسته) در خانه به سر می برند اما به دلایل نظیر «انجام تکالیف و تعهدات مدرسه درخانه از سوی فرزندان»، «سرگرم شدن با کامپیوتر یا گوشی (برای بازی و سرگرمی)، به کارگیری ابزارهای ارتباطی و فعالیت در رسانه های اجتماعی»، «وقت گذرانی

فرزندان با دوستان در بیرون» و «رفتن به باشگاه ورزشی» و «کلاس‌های مهارتی از قبیل موسیقی و زبان انگلیسی» و نظایر آن موجب شکل‌گیری یک ارتباط محدود و منقطع بین آن‌ها شده است. تجربه برخی از نوجوانان چنین است:

• در طول روز بابام و داداشم کارگاه هستن و خونه نمیان. بعد از مدرسه، نهار را با مادرم می‌خورم و تا ساعت ۵ و ۶ خونه هستم که معمولاً به درس‌هام می‌رسم... توی اتاقم استراحت می‌کنم یا با موبایل مامانم سرگرم می‌شوم. بابا و داداشم ساعت ۸ و ۹ شب میرسن خونه (P-2)

• هر روز بعد از مدرسه و نهار، میرم توی اتاق خودم برای استراحت و خوندن درس. به ساعتی با نرم افزارهای گرافیکی کامپیوترم کار می‌کنم تا بالاخره شب میشه و بابا از سر کار میاد... (P-1)

• بعد از مدرسه، بعضی روزا درس می‌خونم و بعضی روزها میرم باشگاه. همه تقریباً ساعت ۹ شب خونه هستم. چون بابام هم ساعت ۹ شب میاد از سرکار. باهم شام می‌خوریم... (P-16).

#### عوامل تعیین‌کننده فرصت‌های تعامل و ارتباطات روزانه والدین و فرزندان

فراوانی	مفاهیم حاوی عوامل
۱۵	اشتغال روزانه هردوی والدین عدم حضور در خانه در طول روز
۳۶	اشتغال یکی از والدین و عدم حضور در خانه
۲۸	رسیدگی فرزندان به درس و تعهدات مدرسه
۲۵	مصرف رسانه‌ای و فناوری نوجوانان
۱۱	وقت‌گذرانی فرزندان با همسالان و دوستان در بیرون
۱۲	فعالیت‌های ورزشی و مهارتی فرزندان

به‌طور کلی می‌توان گفت که «اشتغال والدین»، «درس و تعهدات مدرسه»، «مصرف رسانه‌ای و فناوری نوجوانان»، «تعامل حضوری نوجوانان با همسالان و دوستان» و «فعالیت‌های ورزشی و مهارتی» بیشترین سهم را در ایجاد اختلال ارتباطی و تعاملی حضوری روزانه والدین و فرزندان آن ایفا می‌کند.

## شبانه شدن ارتباطات حضوری والدین و فرزندان

در فرهنگ ایرانی شب‌نشینی و گردهمایی شبانه اعضای خانواده به‌عنوان یک فرصت مطلوب برای شکل‌گیری ارتباطات انسانی میان والدین و فرزندان از ارزش زیادی برخوردار است. بیشتر نوجوانان مشارکت‌کننده (۳۸ نفر) نیز اذعان می‌کردند که «شب» به‌دلیل بازگشت والدین و خود از فعالیت‌ها و اشتغالات روزانه به فرصت و زمان مناسبی برای شکل‌گیری ارتباطات و تعامل بین آنان و والدین شان تبدیل شده است. براساس گفته‌های نوجوانان، گردهمایی شبانه و کنار هم بودن از یک ساعت تا ۵ ساعت متغیر است و به‌طور میانگین ۳ ساعت در کنار هم هستند.

در بیشتر خانواده‌های مورد بررسی، گردهمایی شبانه والدین و فرزندان با وعده غذایی «شام» شکل می‌گیرد. به‌طوری که ۳۴ نفر از نوجوانان مشارکت‌کننده، وعده شام را با والدین و سایر اعضای خانواده خود صرف می‌کنند و تنها ۶ نفر غذای خود را به تنهایی و بدون حضور والدین می‌خورند. در واقع می‌توان گفت که مدت زمان کوتاه وعده غذایی «شام» به مثابه فرصت ارتباطات حضوری چهره به چهره و گفتگو و صحبت در مورد موضوعات مختلف بین والدین و فرزندان در خانواده تبدیل شده است.

گرچه گردهمایی والدین و فرزندان شبانه و پس از فراغت از کار و فعالیت‌های روزانه از فرصت بیشتری برای در کنار هم بودن و ارتباطات کلامی و گفتگو و صحبت در مورد موضوعات مختلف برخوردار هستند اما تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که گرچه گفتگو و تعامل کلامی بین والدین و فرزندان به‌صورت نسبی هنگام شام و یا هنگام دیدن مشترک فیلم و برنامه‌های تلویزیونی رخ می‌دهد، اما در تمام مدت زمانی که به‌ویژه بعد از شام تا زمان خواب کنار هم هستند، ارتباطات کلامی و گفتگوی طولانی و عمیقی ندارند و نوعی اختلال ارتباطی بین آن‌ها وجود دارد. در واقع اختلال‌ها و پارازیت‌ها بر کمیت و کیفیت ارتباطات کلامی شبانه تأثیرگذار است. برخی از گویه‌های حاوی تجربه نوجوانان در این زمینه چنین است:

- شب‌ها بیشتر همدیگر را می‌بینیم. البته غذا دیر وقت می‌خوریم اکثر اوقات ساعت ۱۰ شب. چون در طول روز بابام و داداشم نیستن وقتی میان دیر وقته و خسته هستن و نای صحبت کردن آنچنانی ندارن. (P-2)
- همه اعضای خانواده‌مون تقریباً ساعت ۹ شب کنار هم هستیم. چون بابام هم ساعت ۹ میاد از سرکار. باهم شام می‌خوریم و بعدش معمولاً تلویزیون می‌بینیم. حدود ۱ ساعتی با گوشی سرگم می‌شم و بعدش خواب. (P-16)

- بیشتر شب‌ها و وقت شام و بعد از آن دور هم هستیم. معمولاً دور تلویزیون جمع میشیم و صحبت‌های خودمانی انجام می‌دیم. (P-18)

### عوامل مؤثر بر کمیت و کیفیت فرصت ارتباطی شبانه والدین و فرزندان

فراوانی	مفاهیم حاوی عوامل
۲۷	دیدن برنامه های تلویزیونی (اخبار، سرگرمی، فیلم و سریال و...)
۲۱	خستگی شبانه والدین و نداشتن حوصله صحبت کردن
۱۷	سرگرم شدن با بازی های کامپیوتری، موبایل و رسانه های اجتماعی
۱۷	دیر برگشتن والدین از کار و فعالیت روزانه یا عدم حضور به دلیل شیفتی بودن
۱۰	دیر برگشتن فرزندان از فعالیت‌های فراغتی و مهارتی
۹	مطالعه درسی فرزندان

مهم‌ترین اختلال‌های ارتباطی در هنگام کنار هم بودن والدین و فرزندان را می‌توان به ترتیب شامل «تماشای برنامه‌های تلویزیونی (۲۷ مورد)»، «خستگی ناشی از کار و حوصله نداشتن والدین برای بحث و گفتگو (۲۱ مورد)»، «دیرآمدن پدر یا مادر از سرکار و کوتاه شدن تعامل شبانه (۱۷ مورد)»، و «سرگرم شدن والدین و فرزندان با بازی‌های کامپیوتری، موبایل و رسانه‌های اجتماعی (۱۷ مورد)»، «دیر برگشتن فرزندان از فعالیت‌های فراغتی و آموزشی و مهارتی (۱۰ مورد)» و «مطالعه درسی شبانه فرزندان (۹ مورد)» است که موجب می‌شود فرصت گفتگو و صحبت والدین و فرزندان را بدزدد و کوتاه کند.

### برنامه فراغتی - ارتباطی فرزندان در طول هفته

«فراغت<sup>۱</sup>» مفهومی مدرن و زاده و برآیند جامعه پس از انقلاب صنعتی است، جامعه‌ای که در آن «وقت کار» و «وقت آزاد» از هم جدا شده و فرد در وقت آزاد خود به‌طور داوطلبانه، لذت‌بخش‌ترین فعالیت‌های مورد علاقه خود را انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد. در تعریف اوقات فراغت بر ابعاد مختلفی تأکید شده است. گروهی با ملاک زمان، فراغت را ساعاتی از بیکاری بیان می‌کنند، گروهی با نگرش ذهنی و روحی افراد و به مثابه حالات روحی و روانی تعریف می‌کنند و عده‌ای هم به شیوه‌های گذران سبک‌های گذران اوقات فراغت به‌صورت فردی و جمعی یا فعال

<sup>1</sup>. Leisure

و غیر فعال توجه نموده‌اند. جامعه‌شناسان بر این باورند وجود اوقات فراغت منوط به وجود دو شرط است: یکی این‌که فعالیتی فارغ از اجبارهای اجتماعی، مذهبی و عمومی با انتخاب و گزینش آزادانه باشد و دوم این‌که کار و فعالیت مجزا از امور مربوط به تأمین معیشت باشد (فاضلی و رضایی، ۱۳۹۱).

برنامه‌های فراغتی به‌ویژه فراغت‌های جمعی و گروهی را می‌توان برنامه‌های ارتباطی و محشون از ارتباطات میان فردی میان یک یا چند نفر و گروه یا جمع دانست. در واقع از برنامه‌های فراغتی، برنامه‌ها، رویدادها و موقعیت‌هایی هستند که موجب شکل‌گیری و توسعه ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان یا فرزندان و همسالان می‌شود. این برنامه‌های فراغتی شامل طیف متنوعی اعم از مسافرت، رفتن به کافه و رستوران، پیاده‌روی، پاساژ گردی، پارک گردی، رفتن به سینما و تئاتر، انجام فعالیت‌های مشترک خانوادگی (بازی گروهی و مشترک، جلسات بحث و گفتگو در مورد یک کتاب و فیلم، انجام کارهای مشترک (مانند رفتن به خرید به صورت خانوادگی یا دیدن یک فیلم و برنامه مشترک، آموزش یک مهارت به همدیگر و...)، تجربه تفریح، ورزش و هیجان مشترک (تنیس، والیبال، کوهنوردی، فوتبال، دوچرخه سواری و...) و... هستند که زمینه تعامل، گفتگو، صحبت با همدیگر، ایجاد شناخت متقابل، انتقال باورها و معانی را فراهم می‌کند و موجب افزایش صمیمیت و نزدیکی بین افراد و مشارکت کنندگان می‌شود.

با تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده با نوجوانان می‌توان گفت که مقوله «فراغت فردی رسانه‌محور» و «فراغت جمعی همسال محور» بیشترین بخش اوقات فراغت فرزندان را به خود اختصاص می‌دهد اما مقوله «فراغت جمعی والد‌محور» کمترین بخش اوقات فراغت آن‌ها را شامل می‌شود.

## برنامه فراغتی - ارتباطی فرزندان در طول هفته

فراوانی	مقوله	مفاهیم فرموله شده
۸	فراغت جمعی والد محور (خانواده محور)	داشتن گردش، تفریح و فراغت مشترک با والدین (رفتن به پارک، سینما، کافه، رستوران، دیدن یک فیلم مشترک، فعالیت هیجانی و بازی مشترک، و...)
۲۲	فراغت جمعی همسال محور	داشتن گردش، تفریح و فراغت با دوستان (رفتن به پارک، سینما، کافه، فعالیت هیجانی و بازی مشترک، و...)
۳۵	فراغت فردی رسانه محور	در خانه ماندن و سرگرم شدن با موبایل هوشمند، کامپیوتر و رسانه های نوین

**فراغت فردی رسانه محور:** با تحلیل گزاره‌های پاسخ‌های نوجوانان می‌توان گفت که بیشترین برنامه‌های ارتباطی فراغتی نوجوانان «فراغت فردی رسانه محور» بوده است. این بدان معناست که فرزندان بیشتر اوقات فراغت خود را در تعامل با رسانه‌های جمعی یا رسانه‌های اجتماعی خود شامل دیدن فیلم تلویزیون به صورت فردی، استفاده از ابزارهای ارتباطی نوین و موبایل‌های هوشمند، بازی کامپیوتری و حضور در رسانه‌های اجتماعی آنلاین می‌گذرانند. برخی از گونه‌های مؤید این مضمون عبارتند از:

- خیلی کم پیش میاد سه نفری بیرون بریم. مثلاً سینما یا گردش مشترک بریم. اگه وقت هم داشتیم البته بعید می‌دانم که می‌رفتیم چون کلاً یه کم تنبل هستیم و وقت کم میاریم از بس سرمون توی دنیای مجازیه (P-17).
- برنامه‌ریزی دقیقی برای وقت آزادمون نداریم. معمولاً خونه هستیم و روزها تا چشم باز می‌کنیم تموم میشه و آخر هفته‌ها بابا و مامان به دلیل خستگی طی هفته معمولاً استراحت می‌کنند و به خریدهای خونه میرسن. من و خواهرم بیشتر با هم خونه بازی می‌کنیم و یا سرگرم موبایل میشیم. گه‌گاهی همراه خواهرم با دوستان مون میرم سینما یا پارکی (p-35)
- من فیلم‌های زبان اصلی می‌بینم و بابا و مامانم با آن موضوعات حال نمی‌کنند. برای همین کمتر با هم فیلم می‌بینیم تا روی موضوع و داستان فیلم با هم صحبت کنیم. (P-9)

**فراغت جمعی همسال محور:** فرزندان نوجوان ترجیح می‌دهند تا اوقات فراغت خارج از خانه خود را ارتباط و تعامل میان فردی با دوستان و همسالان خود سپری کنند تا با والدین

شان. بدین معنا که در طول هفته زمان بسیاری را برای رفتن به به پارک، سینما، کافه گردی، پیاده‌روی، گردش و تفریح با دوستان و همسالان خود سپری می‌کنند. گویه‌های زیر بیانگر فراغت جمعی همسال محور هستند.

- تقریباً دو سالی هست که با هم خانوادگی بیرون نرفتیم، نه پارکی، گردش، نه سینمایی. بیشتر با دوستانم میرم بیرون نه با خانواده ما پنج تا دوست صمیمی هستیم که مثل داداش هستیم با هم (P-3)

- هر هفته تفریح و گردش خانوادگی مشترکی نداریم. چون کار بابا و داداشم جوریه که جمعه‌ها هم میرن مغازه. شاید دو هفته یک‌بار من و مادرم با هم میریم. بیشتر با دوستانم میرم پارک و سینما (P-33).

- معمولاً در طول هفته با پدر و مادرم بیرون نمیرم یا خونه‌ام یا با دوستانم میرم. ولی حدوداً دو هفته یکبار رستورانی یا مرکز خرید بزرگی برای تفریح و قدم زدن میریم (P-38)

### فراغت جمعی والد محور (خانواده محور): یکی از راه‌های مهم شکل‌گیری و توسعه

ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان، خلق و تنظیم برنامه‌های فراغتی- ارتباطی بیرونی مشترک والدین و فرزندان در طول هفته یا پایان هفته در بیرون از منزل با داخل منزل است. داده‌های حاصل از مصاحبه با نوجوانان نشان می‌دهد که بیشتر نوجوانان برنامه مشترک ارتباطی- فراغتی در بیرون و داخل خانه با والدین خود ندارند و تنها ۸ نفر برنامه فراغتی مشترک منظم مانند داشتن گردش، تفریح و فراغت مشترک با والدین مانند رفتن به پارک، سینما، کافه، رستوران، دیدن یک فیلم مشترک، فعالیت هیجانی و بازی مشترک، و... با والدین خود در طول هفته دارند. تجربه برخی نوجوانانی که با والدین خود تجربه گذران فراغت مشترک داخل و بیرون خانه را دارند، چنین است:

- بیشتر آخر هفته‌ها با خانواده و فامیل صمیمی مون کوه میریم. خیلی خوش می‌گذره، بازی می‌کنیم، فضای خوبیه دوستش دارم. (p\_7).

- معمولاً آخر هفته بیشتر با خانواده و بیشتر با خواهرام میریم برای گردش و قدم زدن در پارک و پاساژ یا دیدن یه فیلم در سینما. بر اساس موضوعات هر روز با هم حرف می‌زنیم و بحث می‌کنیم. (P19)

- هفته‌ای یکبار می‌ریم بیرون دور می‌زنیم با خانواده و یا شامی می‌خوریم خیلی با هم صمیمی هستیم. سعی می‌کنیم بیشتر اوقات با هم بیرون می‌ریم. کمتر با دوستانم می‌روم. ارتباطم با دوستانم فقط محدود به زمان مدرسه است (P-15).
- می‌توان گفت که گرچه برنامه‌های ارتباطی موقعیت‌های مطلوبی برای شکل‌گیری گفتگو و صحبت در مورد موضوعات مختلف است اما «فراغت جمعی و‌الدمحوریا خانواده محور» در بین نوجوانان بسیار حداقلی و کم‌رنگ است. در واقع والدین و فرزندان برای با هم بودن و دورهمی بیرون از منزل یا خارج از منزل کمتر برنامه‌ریزی می‌کنند و کمتر اوقات‌شان را در تعامل و ارتباط با هم سپری می‌کنند. نوجوانان مهم‌ترین عوامل کاهش گذراندن فراغت با والدین را «خستگی و بی‌حوصلگی ناشی از کار بی‌وقفه والدین»، «رسم و عادت نداشتن به بیرون رفتن خانوادگی»، «دیدن برنامه‌های تلویزیونی بدون صحبت کردن پیرامون موضوع آن»، «غرق شدن والدین و فرزندان در فضای مجازی»، «لذت نبردن از بودن و همراهی با والدین ( ناشی از نصیحت آمرانه، تذکر و سرزنش، نق زدن، ...)»، «شرکت فرزندان در کلاس‌های هنری، مهارتی و توسعه فردی» و «مطالعه درسی و انجام تعهدات مدرسه» می‌دانند.

### عوامل کاهنده فراغت جمعی و‌الدمحور فرزندان

فراوانی	کدهای مربوط به عوامل
۱۸	خستگی و بی‌حوصلگی ناشی از کار بی‌وقفه والدین
۷	رسم و عادت نداشتن به بیرون رفتن خانوادگی
۱۵	دیدن برنامه‌های تلویزیونی بدون صحبت کردن در مورد موضوع آن
۲۰	غرق شدن والدین و فرزندان در فضای مجازی
۱۵	لذت نبردن از بودن و همراهی با والدین ( ناشی از نصیحت آمرانه، تذکر و سرزنش، نق زدن، ...)
۷	شرکت فرزندان در کلاس‌های هنری، مهارتی و توسعه فردی
۱۰	مطالعه درسی و انجام تعهدات مدرسه

برخی از گویه‌های حاوی این دلایل نوجوانان چنین است:

- به‌صورت هفتگی و منظم با هم بیرون نمی‌رویم. اگر فرصت کنیم برخی جمعه‌ها برای غذا خوردن به پارکی یا رستورانی می‌رویم. سینما هم سالی یکی دوبار اتفاقی می‌ریم. (P-10)

• معمولاً بابا و مامانم و خواهرم سه تایی به گردش میرن من با آنها نمیرم دوست دارم با هم رفیقای خودم یا تنهایی برم بیرون. یعنی چون اگر با اونها بیرون برم حوصله‌ام سر میره و همه‌اش تذکر میدن که اینجوری برو، اینجوری نرو، تا به حال ندیدم یه تعریف کوچکی از من بکنند. و لذت نمیرم درکل خوش نمی‌گذره (P-11).

## نتیجه‌گیری و بحث

مطالعه کیفی حاضر در یک جامعه محدود ۴۰ نفره با هدف تحلیل تجربه زیسته نوجوانان از میزان، نوع و کیفیت ارتباطات میان فردی با والدین‌شان انجام گرفت. لذا نتایج آن تنها در گروه فوق‌الذکر قابل‌تعمیم است. اگر ارتباطات میان فردی را مکانیزمی بدانیم که طی آن اعضای خانواده از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی نیازها، خواسته‌ها، عواطف، نگرانی‌ها و دغدغه‌ها، تجربه‌ها، افکار و دیدگاه‌ها و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند، مشورت می‌گیرند، تصمیم اتخاذ می‌کنند، از همدیگر حمایت و پشتیبانی عاطفی و روانی می‌کنند و تضادها و تنش‌ها را رفع می‌کنند، نتایج این پژوهش بیانگر وجود یک «اختلال و شکاف ارتباطی» در ارتباطات والدین و فرزندان در خانواده است. بدین معنا که والدین و فرزندان نوجوان، در طول روز به دلیل اشتغال والدین، انجام تکالیف و تعهدات مدرسه در خانه از سوی فرزندان، سرگرم شدن فرزندان با رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی و برنامه‌های فراغتی و مهارتی خارج از منزل فرزندان دچار اختلال، فاصله و ناپایداری ارتباطی هستند و از فرصت، وقت و انرژی کمتری برای کنار هم بودن و صحبت کردن با هم برخوردارند تا جایی که گردهمایی شبانه به‌ویژه زمان کوتاه «شام» به فرصت طلایی ارتباطات حضوری چهره به چهره و گفتگو و صحبت در مورد موضوعات مختلف بین والدین و فرزندان در خانواده تبدیل شده است. آنتونیو بوا نیز در مطالعه خود در سال ۲۰۱۲ نشان داد که «زمان صرف غذا» به یک فرصت کنارهم بودن و تعامل کلامی اعضای خانواده تبدیل شده که در خلال آن بحث‌های مختلفی صورت می‌گیرد و والدین از این فرصت برای انتقال ارزش‌ها و باورها و آموزش رفتارهای فرهنگی مناسب استفاده می‌کنند و فرزندان نیز شیوه‌ی تفکر منطقی و استدلالی و بیان صحیح افکار و نیازهای خود را یاد می‌گیرند (بوا، ۲۰۱۲).

این پژوهش نشان داد که این گردهمایی شبانه نیز ناپایدار بوده و در تمام مدت زمانی که به‌ویژه بعد از شام تا زمان خواب کنار هم هستند، تحت تأثیر شرایط و عواملی نظیر تماشای برنامه‌های تلویزیونی، خستگی ناشی از کار و حوصله نداشتن والدین برای بحث و گفتگو، دیرآمدن پدر یا مادر از سر کار و کوتاه شدن تعامل شبانه، سرگرم شدن والدین و فرزندان با بازی‌های

کامپیوتری، موبایل و رسانه‌های اجتماعی، دیر برگشتن فرزندان از فعالیت‌های فراغتی و آموزشی و مهارتی و مطالعه درسی شبانه فرزندان، ارتباطات کلامی و گفتگوی طولانی و عمیقی ندارند. همچنین یکی از مصداق‌های وجود «شکاف ارتباطی» و «اختلال ارتباطی» بین والدین و فرزندان، کاهش برنامه‌های فراغتی و ارتباطی مشترک درون و برون خانه‌ای نظیر تفریح مشترک، رفتن به سینما، تئاتر، پارک رفتن، کافه نشینی و پرسه زدن در خیابان و فعالیت‌های جمعی مشترک داخل و خارج از خانه است. این در حالی است که برنامه‌های فراغتی - ارتباطی موقعیت‌های مطلوبی برای شکل‌گیری تعامل پایدار، طولانی و گفتگو و صحبت فراهم می‌کند. دلایل این شکاف ارتباطی بین والدین و فرزندان، خستگی و بی‌حوصلگی ناشی از کار بی وقفه والدین، رسم و عادت نداشتن به بیرون رفتن خانوادگی، دیدن برنامه‌های تلویزیونی بدون صحبت کردن پیرامون موضوع آن، غرق شدن والدین و فرزندان در فضای مجازی، لذت نبردن فرزندان از بودن و همراهی با والدین به دلیل عدم صمیمیت و نصیحت آمرانه و تذکر و سرزنش والدین و نظایر آن بوده است. این نتیجه مصداق تعبیر السون از خانواده‌های بی اعتنا و رها شده است. در خانواده‌های بی اعتنا یا رها شده معمولاً تفریح مشترکی ندارند و زمان زیادی را با یکدیگر نمی‌گذرانند. اعضای خانواده رها شده، دارای جدایی و استقلال بیش از حد و احساس تعلق یا وفاداری کمی هستند. این در حالی است که السون از خانواده‌هایی که زمان نسبتاً زیادی را با هم می‌گذرانند و به‌طور مرتب تفریحات مشترکی مثل سفر و گشت و گزارهای خانوادگی را انجام می‌دهند، تحت عنوان خانواده‌های منسجم نام می‌برد (السون، ۲۰۱۴). لینگرن نیز بر آن است که دو کیفیت مربوط به انسجام در خانواده، «تعهد» و «وقت گذراندن با هم» است. منظور از تعهد، میل به صرف وقت و انرژی در فعالیت‌های خانواده و هم چنین ممانعت از تأثیر منفی عواملی چون مسائل شغلی در آن است. بعد دیگر انسجام از نظر لینگرن وقت گذاشتن و با هم بودن در بین اعضای خانواده است. خانواده‌هایی که در این زمینه قوی هستند، به‌طور مرتب برنامه‌ها و زمان‌هایی برای فعالیت‌های مشترک و دوره‌های خانوادگی در نظر می‌گیرند (لینگرن، ۲۰۰۳).

بر مبنای نتایج پژوهش، به دلیل کاهش «فراغت جمعی خانواده محور» فرزندان ترجیح می‌دهند تا یا اوقات فراغت خارج از خانه خود را ارتباط و تعامل میان فردی با دوستان و همسالان خود سپری کنند و یا بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و در تعامل با رسانه‌های جمعی یا رسانه‌های اجتماعی خود شامل دیدن فیلم تلویزیون به صورت فردی، استفاده از

ابزارهای ارتباطی نوین و موبایل‌های هوشمند، بازی کامپیوتری و حضور در رسانه‌های اجتماعی آنلاین سپری کنند. به عبارتی فراغت فردی رسانه محور و فراغت جمعی همسال محور جایگزین برنامه‌های فراغتی خانواده محور شده است. شیری و رحمانی نیز در سال ۱۳۹۴ به این نتیجه رسیدند هر چه میزان استفاده از وسایل ارتباطی (لاین، تلگرام) بیشتر باشد، انسجام خانواده، جمعگرایی بین افراد، روابط صمیمی افراد خانواده، روابط با خویشاوندان، شیوه‌ی غذا خوردن افراد خانواده دور هم، برقراری میهمانی خانوادگی، گردش‌های خانوادگی ارتباطات کلامی افراد خانواده کمتر شده است. در واقع پژوهشگران استدلال کرده‌اند که با پیشرفت تکنولوژی و گسترش فناوری و هجوم شبکه‌های مجازی (یعنی همان فراغت رسانه‌محور)، ارتباطات میان فردی اعضای خانواده کاهش یافته و کم کم همگان به سوی تنهایی و انزوا پیش رفتند، به گونه‌ای که امروزه فردگرایی در جامعه رواج یافته است.

لذا با توجه به این اختلال ارتباطی در تعامل والدین و فرزندان در خانواده باید سیاست‌گذاران حوزه خانواده به تقویت فرصت‌ها و برنامه‌های ارتباطی فراغتی خانواده محور در سیاست‌گذاری‌های مربوط به خانواده توجه کنند. فرصت‌های ارتباطات و تعاملات میان فردی اعضای یک خانواده، زمان‌هایی از شب و روز است که به‌صورت حضوری (یا غیرحضوری از طریق ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی) و در درون خانه و یا در بیرون و با شکل‌دهی برنامه‌های فراغتی، رویدادها و گردهمایی و دوره‌هایی با هم تعامل و ارتباط دارند. برنامه‌های فراغتی به‌ویژه فراغت‌های جمعی و گروهی را می‌توان برنامه‌هایی ارتباطی و محشون از ارتباطات میان فردی میان یک یا چند نفر و گروه و جمع دانست. در واقع از برنامه‌های فراغتی، برنامه‌ها، رویدادها و موقعیت‌هایی هستند که موجب شکل‌گیری و توسعه ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان یا فرزندان و همسالان می‌شود. این برنامه‌های فراغتی شامل طیف متنوعی اعم از مسافرت، رفتن به کافه و رستوران، پیاده‌روی، پاساژ گردی، پارک گردی، رفتن به سینما و تئاتر، انجام فعالیت‌های مشترک خانوادگی در خانه (بازی گروهی و مشترک، جلسات بحث و گفتگو در مورد یک کتاب و فیلم، انجام کارهای مشترک (مانند رفتن به خرید به صورت خانوادگی یا دیدن یک فیلم و برنامه مشترک، آموزش یک مهارت به همدیگر و...))، تجربه تفریح، ورزش و هیجان مشترک (تنیس، والیبال، کوهنوردی، فوتبال، دوچرخه سواری و...) هستند که زمینه‌ی تعامل، گفتگو، صحبت با همدیگر، ایجاد شناخت متقابل، انتقال باورها و معانی را فراهم می‌کند و موجب افزایش صمیمیت و نزدیکی بین افراد و مشارکت کنندگان می‌شود. در صورت نبود برنامه‌های ارتباطی و فراغتی

خانواده محور، اعضای خانواده‌ها به برنامه‌های فراغت فردی رسانه محور، میل می‌کنند. بدین‌سان که اعضای خانواده بیشتر اوقات فراغت خود را صرف دیدن فیلم به‌صورت فردی، استفاده از ابزارهای ارتباطی نوین و موبایل‌های هوشمند، بازی کامپیوتری و حضور در رسانه‌های اجتماعی آنلاین می‌گذرانند که زمینه تعامل و شکل‌گیری یک ارتباطات انسانی مثبت را از آن‌ها سلب می‌کند.

## منابع

ابتکار، معصومه (۱۳۹۸). «گفت و گوی بین اعضای خانواده به ۲۰ دقیقه رسیده است». برگرفته از لینک خبر ایرنا:

<https://www.irna.ir/news/۸۳۳۹۳۴۱۶>

ایمانی، محسن و شرفی، محمود (۱۳۸۰). «بررسی و مقایسه ی مراحل سه گانه تحول فکری مارتین بوبر». فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، پیاپی ۳۰.

بی من، ویلیام. (۱۳۸۷). **زبان، منزلت و قدرت در ایران**، ترجمه رضا ذوقدار مقدم، تهران: نشر نی.

حجتی، حمید؛ شریف نیا، سید حمید؛ حسینعلی پور؛ سمانه؛ نیکخواه، فاطمه و آسایش، حمید (۱۳۰). «تاثیر خاطره گویی گروهی بر احساس تنهایی و نیاز به تعلق خاطر سالمندان» **مجله مراقبت و سلامت**، سال سیزدهم، شماره ۱ بهار.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). **دایره‌المعارف علوم اجتماعی**. چاپ سوم. تهران: کیهان.

سپهری، صفورا و پاکدامن، شهلا (۱۳۸۹). «الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین»، **فصلنامه روشها و مدل های روانشناختی**، دوره ۱، شماره ۲، زمستان.

شهرکی ثانوی، فریبا؛ نویدیان، علی؛ انصاری مقدم، علیرضا؛ فرجی شوی، مهدی (۱۳۹۰). بررسی رابطه ی الگوهای ارتباطی خانواده بر کیفیت زندگی نوجوانان، **فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده**، سال اول، شماره، ۱.

علینی، محمد (۱۳۹۳). بررسی کارکردهای خانواده در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی.

**فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی**، دوره ۱، شماره ۴، بهار.

فراحتی، مهرزاد، فتحی آشتیانی، علی و مرادی، علیرضا (۱۳۹۰). رابطه میان الگوهای ارتباطی

خانواده و مهارتهای ارتباطی نوجوانان. **فصلنامه خانواده و پژوهش**، شماره ۱۰.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۹۷)، **ارتباطات انسانی**. چاپ بیست و هفتم، تهران: رسا  
گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷). **جامعه شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. چاپ سی و سوم، تهران:  
نی.

مایرز، گیل. ای و مایرز، میشله تی. میشله (۱۳۸۳). **پویایی ارتباطات انسانی**، ترجمه حوا صابر  
آملی، تهران: نشر دانشکده صدا و سیما. چاپ اول.

محسنیان راد، مهدی (۱۳۹۶). **ارتباط شناسی ۲**، تهران: سروش، چاپ شانزدهم

Beeman, William O. (2008). *Language, Status, and Power in Iran*, translated by Reza Zoghdar Moghadam, Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian)

Ebtikar, Masoumeh (2019). "The conversation time among family members has reached 20 minutes." Retrieved from IRNA news link: <https://www.irna.ir/news/83393416> (In Persian)

Hajati, Hamid; Sharifnia, Seyed Hamid; Hosseinali Pour, Samaneh; Nikkha, Fatemeh; and Asayesh, Hamid (2010). "The Impact of Group Reminiscence on Feelings of Loneliness and Need for Belonging in the Elderly," *Journal of Care and Health*, Volume 13, Issue 1, Spring. (In Persian)

Imani, Mohsen and Sharafi, Mahmoud (2001). "An Examination and Comparison of the Three Stages of Martin Buber's Thought Development." *Religious Thought Quarterly*, Shiraz University, Issue 30. (In Persian)

Saroukani, Bagher (2001). *Encyclopedia of Social Sciences*. Third Edition. Tehran: Kayhan. . (In Persian)

Farahati, Mehrzad; Fathi Ashtiani, Ali; and Moradi, Alireza (2011). "The Relationship Between Family Communication Patterns and Adolescents' Communication Skills," *Journal of Family Research*, Issue 10. . (In Persian)

Farhangi, Ali Akbar (2018). *Human Communications*. 27th Edition, Tehran: Rasa. . (In Persian)

Giddens, Anthony (2018). *Sociology*. Translated by Manouchehr Sabouri Kashani. 33rd Edition. Tehran: Ney. . (In Persian)

Sepehri, Safoura and Pakdaman, Shahla (2010). "Family Communication Patterns and Parent-Child Conflicts," *Journal of Psychological Methods and Models*, Volume 1, Issue 2, Winter. (In Persian)

Shahreki Thavoni, Fariba; Navidian, Ali; Ansari Moghadam, Alireza; and Faraji Shavi, Mahdi (2011). "Examining the Relationship Between Family Communication Patterns and the Quality of Life of Adolescents," *Journal of Family Counseling and Therapy*, Volume 1, Issue 1. . (In Persian)

Bova, Antonio (2012). *Argumentation between parents and children; A study of family discussions at mealtime*. Phd thesis. In Faculty of Communication Sciences, Università della Svizzera Italiana.

- Brooks, W. and Heath, R. (1993) *Speech communication*. Dubuque, IA: W.C. Brown.
- Burns, N. & Grove, K. C., (2007), *Understanding Nursing Research*, 4th edition, Philadelphia W.B. Saunders
- Altman, I., & Taylor, D., (1973). *Social Penetration: The Development of Interpersonal Relationships*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Carr, A. (2012). *Family therapy: Concepts, process, and practice*. Malden: John wily & Sons.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2008). *Family Therapy: An overview*. Los Angeles: Thomas Brooks/Cole.
- Hartley, Peter (1999) *Interpersonal Communication*, London: Routledge
- Huang, L. N. (2009). Family communication patterns and personality characteristics, available at: <https://doi.org/10.1080/01463379909370136>
- Kelly, L., Keaten, J. A., Finch, C., Duarte, I. B., Hoffman, P., & Michels, M. M. (2002). Family communication paterrens and the development of reticence. *Communication Education*, 51: 202-209.
- Koerne, A.F, Scharodt & P. Fitzpatrick, M. A. (2017). *Family Communication Patterns Theory: A Grand Theory of Family Communication*. in book, *Engaging Theories in Family Communication Multiple Perspectives*, Second Edition, edited by Dawn O. Braithwaite, Elizabeth Suter, and Kory Floyd. Description: Second edition. New York, NY: Routledge.
- Morrow, R., Rodriguez, A. and King, N. (2015). Colaizzi's descriptive phenomenological method. *The Psychologist*, 28 (8), 643-644
- Myers, Gail E. and Myers, Michelle T. (2004). *Dynamics of Human Communication*, translated by Hava Saber Ameli, Tehran: Faculty of Broadcasting Publishing. First Edition. 13. Mohsenian Rad, Mehdi (2017). *Communication Studies 2*, Tehran: Soroush, 16th Edition. (In Persian)
- Pearce, W. B., & Pearce, K. A. (2004). Taking a communication perspective on dialogue. In R. Anderson, L. A. Baxter, & K. N. Cissna (Eds.), *Dialogue: Theorizing difference in communication studies*, (pp. 39-56). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Peterson, Rick & Green, Stephen (2009). *Families First: Keys to Successful Family Functioning Communication*, available at: <https://vtechworks.lib.vt.edu/handle/10919/48300>
- Peterson, Rick & Green, Stephen (2009). *Families First: Keys to Successful Family Functioning Communication*. Available at: [http://pubs.ext.vt.edu/content/dam/pubs\\_ext\\_vt\\_edu/350/350-092/350-092\\_pdf.pdf](http://pubs.ext.vt.edu/content/dam/pubs_ext_vt_edu/350/350-092/350-092_pdf.pdf)

- Thakkar, Vidhya & Sheth, Neha (2014). Communication Patterns between Adolescents and their Parents. Available online 01 June 2014, Vol.2 (May/June 2014 issue): <http://ijmcr.com/wp-content/uploads/2014/06/Paper9565-572.pdf>
- Wood, Julia T. (2016). Interpersonal Communication: Everyday Encounters, Eighth Edition Boston: Cengage Learning